

اوج عزت

علی تقدیری

انسان، جلوه صفات پروردگار است و نماینده حق در آفرینش. از جلوه‌های خداگونگی انسان، «عزت» در زندگی است، که پرتویی از نور ایمان است. ایمان، نورانیت در دل مؤمن پدید آورده و او را عزیز می‌سازد و بزرگی می‌بخشد.

خداوند، در قرآن می‌فرماید: ﴿من كان يريد العزة فلله العزة جميعاً﴾ (سوره فاطر، آیه ۱۰).
«هر که عزت خواهد، پس همه عزت نزد خداست».

«عزت»، قدرت و نفوذ ناپذیری است. به سخنی دیگر، عزت حالتی است که انسان را شکست ناپذیر می‌سازد و سرچشمه آن، وجود حق است و سپس به وجود آدمی جاری می‌شود.
همه نیروهای نفوذ پذیر برای خداوندست. خداوند، هم عزیز است و هم عزت بخش. هر چه رابطه با او بیش تر باشد، عزت بیش تر است.

علامه طباطبایی^(۱)، پیرامون آیه فوق می‌گوید: «معنایش اینست؛ هر کس عزت می‌خواهد باید از خدای تعالی بخواهد. زیرا، عزت همه‌اش ملک خداست و هیچ موجودی نیست که خودش، به طور ذاتی عزت داشته باشد.»

عزت بر دو گونه است:

عزت شایسته، که ذات پاک خداوند را به عزیز توصیف می‌کنیم. و

عزت ناپسند، که همان غرور در برابر حق است. این عزت، در

حقیقت، ذلت است.

رسیدن به عزت، دو مرحله دارد:

۱. مرحله عزت فکری و کلامی، که سخن را پاکیزه کند.

۲. مرحله عزت عملی، که عمل را صالح و استوار سازد.

بدین سان، عقیده پاک به سوی خدا اوج می‌گیرد و دارنده آن را نیز پرواز می‌دهد؛ تا در جوار عزت حق قرار گیرد.



اما، عزت به معنای غیرت مغرورانه، قدرت پوشالی است و سراب عزت. این حالت، از ستمگری و دشمنی به دست می آید. خداوند، می فرماید: ﴿بل الذین کفروا فی عزة و شقاق﴾ (سوره ص، آیه ۲). آن ها که کافر شدند، گرفتار غیرت و دشمنی اند. کافران، قدرت و ثروت را راه رسیدن به عزت می دانند. این سراب عزت است که گروهی از مسلمانان سست ایمان نیز، در آن گرفتار آمده اند. و یا می فرماید: همانا منافقان، کافران را به جای مؤمنان دوست خود بر می گزینند! آیا این ها می خواهند از آنان، کسب عزت و آبرو کنند، با این که همه عزت ها مخصوص خداست؟ عزت، همواره از علم و قدرت سرچشمه می گیرد و این ها - که قدرت و علم شان ناچیز است - کاری از دست شان ساخته نیست که منشأ عزت باشند. (سوره نسا، آیه ۱۳۹). و یا می فرماید: ساحران در پیشگاه فرعون، ریسمان ها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: به عزت فرعون (سوگند که) حتماً پیروزیم. ولی پس از وارونه شدن حیلۀ آنان، با معجزه موسی (ع) گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. این حرکت، یعنی عزت از آن خداست. (سوره شعراء، آیه ۴۴).

پس، نیکو آن که عزت در گرو اطاعت خدای عزیز و اولیای او باشد.

پیامبر عزیز فرموده اند: پروردگارتان، همه روز فرماید: «منم پروردگار عزیز. هر کس عزت دو جهان خواهد، باید اطاعت عزیز کند.»

صادق آل محمد (ع) می فرماید: «خداوند، همه امور را به مؤمن واگذار کرده است. ولی، به او اختیار نداده که شخصیت گرانبهایش را به ذلت کشاند». و نیز فرمود: هرگاه بخواهید، بدون قبیله عزیز باشی و بدون قدرت، هیبت داشته باشی. از سایه ذلت معصیت خدا به در آی و در پناه عزت و اطاعت او قرار گیر!

«عزت نفس»، یکی از پایه های اخلاق اسلامی است. هر که از شخصیت فردی و اجتماعی خود، پنداری حقیقی داشته و ارزشی برای خود احساس می کند، عزت نفس دارد.

اگر میزان عزت نفس کاهش یابد؛ احساس ناتوانی در فرد، به وجود می آید. با افزایش آن، حالت ارزشمندی در وجود او پدید می آید. همان گونه که امیرمؤمنان (ع) فرموده اند:





«کسی که نفسش عزت داشته باشد، خواهش‌ها و هوس‌ها در نظرش

خوار گردد.»

امام حسین^(ع) فرمود: «با خواری زیستن یا با خواری مردن؟ من هر دو را خوراکی ناگوار می‌بینم. اگر ناچار باید یکی از مرگ و زندگی را برگزید؛ حرکت من به سوی مرگ با عزت حرکتی زیبا خواهد بود»

از این روست که در روز عاشورا، در برابر پیشنهاد ابن زیاد فریاد بر می‌آورد: «آگاه باشید ناپاک ناپاکزاد مرا بین دو چیز قرار داده است؛ کشته شدن یا تسلیم با ذلت. ولی ذلت از ما بسیار دور است. خدا راضی نیست که ما ذلیلانه تسلیم شویم. پیامبر و خدا و مؤمنان و دامن‌های پاک و پاکیزه‌ای - که در آن پرورش یافته‌ایم - و آن مردانی که از تن دادن به زیر بار ستم منزّه‌اند؛ راضی نیستند که ما طاعت افراد پست را بر قتلگاه کریمان برگزینیم»

در مرام حسین^(ع)، آزادی و عزت، در عمل و اندیشه اهمیت به سزایی دارد. آن‌گاه که سرور آزادگان در محاصره دشمن قرار می‌گیرد و اهل بیت بی‌پناه در هجوم بی‌امان، فریاد و احسینا سر می‌دهند. امام، فریاد برمی‌آورد: «وای بر شما ای پیروان آل‌ابی‌سفیان، اگر دین ندارید و از روز رستاخیز نمی‌هراسید، پس در دنیای خود آزاد مرد باشید». انسان آزاده، عزیز است و به حق و ناموس دیگران تجاوز نمی‌کند.

پیشوایان اسلام تلاش کرده‌اند که با ایجاد عزت و شرافت انسانی، در پیروان خویش و نیز آشنا کردن با ارزش‌های اخلاقی، روح عزت نفس را در آنان برانگیزانند. از رسول خدا نقل شده است که فرمود: از بهترین کارهای نیک، آنست که همنشینان خود را عزیز دارید.

امام علی^(ع) فرمود: برای عزت و افتخار دنیا، سر و دست نشکنید و به زینت و نعمت‌های آن فریفته نشوید. و از رنج و سختی‌های آن زاری نکنید. زیرا، عزت و فخر آن به زودی، پایان گیرد و زیورهایش، نابود گردد. و رنج و درد آن به

سرانجام رسد.

